

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

مفهوم انسانیت بدون اسلام کامل نمی‌گردد!

(ترجمه)

انسانیت کلمه‌ی جدیدی است؛ اما بسیار به زودی در بسیاری از جزئیات زندگی ما شایع گردیده است. مخصوصاً برای حل جدل‌ها در میان مردم زمانی که در نظرها، فرهنگ، دیدگاه‌ها و مقیاس‌های‌شان تصادم صورت گیرد، از کلمه‌ی انسانیت به عنوان تقسیم مشترک در میان همه مردم، قطع نظر از دیدگاه‌های متفاوت‌شان که بر عقاید متضاد، در اساس و تفصیل خود استوار است، استفاده می‌کنند.

گویا مفهوم انسانیت بر اساس این طرح معاصر به معنی کنار زدن دین و هرآن چیزی که انسان در مشخص کردن موقف خود دارد که آن شخص باشد یا عمل و یا کنار زدن تنظیم و روشی است که به آن ایمان دارد، می‌باشد. این چیزی است که در میان مردم باعث تصادم و نزاع می‌گردد و عده‌ای با عده‌ای دیگری به صورت فکری، مادی و فرهنگی برخورد می‌کنند. بناءً برای افرادی که فکر سیکولریزم را حمل می‌کنند، بسیار ساده است که دین را متهم به پدیده‌یی که تفرقه را به وجود می‌آورد، نمایند تا بتوانند بگویند که دین سبب فتنه می‌گردد!

با بی‌شرمی تمام، مفهوم انسانیت را به عنوان پدیده‌ی جامع در میان مردم پیش کش می‌کنند که سبب محبت، احترام، تسامح و صلح می‌گردد؛ زیرا مفهوم انسانیت توانائی پزیرائی همه اختلافات را دارد؛ اما دین مسأله‌ی شخصی است که در موضوع ارزش‌ها، مراجع و دیدگاه‌ها هیچ اعتباری ندارد. بناءً حجم بازی با این لفظ بسیار به وضاحت مشاهده می‌گردد. این واژه را رنگ صلح، امنیت و جواز مبدأ برادری در میان مردم دانسته و می‌خواهند به گونه‌ی هدف‌مندانه با این فهم گمراه‌کننده‌شان دین اسلام را کنار بزنند.

آیا برای یک مسلمانی که زیر سایه کامل‌ترین شریعت که الله سبحانه و تعالی برای همه بشریت فرستاده زندگی کند، مسلمانی که بهترین دین و بزرگ‌ترین پیام را حمل می‌کند، کسانی که الله سبحانه و تعالی ایشان را در میان مردم به عنوان شاهد و عادل قرار داده است، امکان دارد که با کنار زدن دین‌اش راضی گردد و بهتر را به بدتر تبدیل نماید؟ کدام خیر از ایمان و اسلام بهتر است؟

ویژگی انسان مومن این است که علاقه و ارتباط وی به پروردگارش چیزی است که علاقه‌اش را به فامیل، محیط زندگی و تمام انسان‌ها قوی می‌گرداند. هرزمانی که فرد به پروردگارش نزدیک گردد، بزرگی عقیده‌یی که به آن ایمان دارد و بزرگی مسؤلیت خود را در پیش‌گاه الله سبحانه و تعالی، امت و همه بشریت احساس می‌کند. تااین که دین اسلام را به جایی که شب و روز برسد، برساند؛ زیرا هیچ چیزی بر مردم بزرگ‌تر از ایمانی که مردم را از بدبختی دنیا و عذاب آخرت نجات دهد نیست.

دقیقاً جزئی‌ترین مراتب انسانیت را مسلمان پیش از دیگران درک می‌کند؛ زیرا بهترین حالت دوست داشتن مردم این است که برای آن‌ها خواهان خیر باشید و راست‌تر از این قول او صلی الله علیه وسلم وجود ندارد:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»

(رواه البخاری و مسلم)

**ترجمه:** هیچ یک از شما ایمان ندارد تا زمانی که چیزی را که برای خودش دوست دارد برای برادر مسلمان‌اش نیز دوست داشته باشد.

از این جهت نقش مسلمان در این دنیا عبارت است از: حمل اسلام، تطبیق، زندگی زیر سایه آن و رسانیدن این پیام برای همه بشریت برای تحقق این خیر و رسیدن به خوش‌بختی و آرامش می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

(آل عمران: ۱۰۴)

**ترجمه:** باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی نموده، امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند. این خیر همانا اسلام است.

یقیناً که اسلام اصل و اساس انسانیت است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی اسلام را نازل نمود تا به وسیله‌ی آن انسان را حفظ نموده و سعادت دنیا و آخرت را برایش تضمین کند. بزرگ‌ترین انسانیت حقیقی این است که انسان از داخل‌اش احساس راحتی نموده و به فکری ایمان آورد که عقل‌اش را قناعت داده، موافق فطرت‌اش بوده، به قلب‌اش آرامش آورده و وی را وادار به حمل این سعادت برای دیگران کرده باشد.

وقتی که در پیش‌گاه الله سبحانه و تعالی در حالت گریه و خشوع سر به سجده گذاشته و چنان گریه می‌کنید که صورت‌تان توسط گریه خیس می‌شود و به وسیله‌ی آن قلب خود را شست‌وشو نموده بعد از آن احساس آرامش می‌کنید، این کاری است که جز از عهده‌ی مسلمان بر نمی‌آید. این که مال خود را صدقه کند و چنان بر قلب‌اش تاثیر نماید که از شدت خوشی تبسم نموده و احساس آرامش به وی دست دهد؛ جز مسلمان کسی دیگری این کار را نمی‌کند. این که به والدین خود نیکی کنید پاهای مادرت را بوسه زده از وی طلب دعا کنید و برایت دعا کند؛ جز مسلمان کسی دیگری چنین کاری را نخواهد کرد. این که به خاطر دین به زندان انداخته شوید، تعذیب و شکنجه را تحمل کنید؛ اما از الله سبحانه و تعالی امید ثواب داشته و به این کار افتخار نمائید؛ جز مسلمان کسی دیگری دست به چنین کاری نخواهد زد. این که با حکام مقابله نموده و باوجود ضعف و کمی امکانات آنان را امر به معروف نمائید، عزتی است که جز مسلمان کسی دیگری دست به چنین عملی نمی‌زند. باوجود همه موانع و مشکلاتی که از هر جهت شما را محاصره کرده است؛ باز هم به خاطر احیای دین اسلام مبارزه نمائید؛ چون مبارزه اعتماد بزرگی با الله سبحانه و

تعالی است که جز مسلمان کسی دیگری به آن آگاهی ندارد. این که در مورد حکم، قضاء، اجتماع، اقتصاد و غیره در زیر سایه احکام شریعت زندگی نموده، عدالت را مراعات، به قلبها آرامش، به چشمها خنکی ایجاد کرده و زمین را به نور الله سبحانه و تعالی روشن نمائید؛ عزتی است که جز مسلمان کسی دیگری انجام نمی‌دهد.

به عنوان مسلمان موقوف‌های زیادی در زندگی ما موجود است که از آنان می‌گذریم. احساسات بسیار بزرگ، سعادت و آرامشی داریم که میلیاردها فرد از آن محروم است؛ احساساتی که به مادیات، خوردن، نوشیدن و اشباع غرایز خلاصه نشده؛ بلکه احساسی است که به سعادت واقعی منتج گردیده و شخص زمانی آن را به دست آورده می‌تواند که پروردگارش به گونه‌ی درست از وی راضی گردد و این چیزی است که غیر مسلمانان به آن اهمیت نمی‌دهند.

این تنها اسلام است که مسلمانان را برای حمل این سعادت تشویق می‌کند و این سعادت همانا خواستن خیر برای همه بشریت است. هدایت، صلاح و نجات از دشواری‌های دنیا و آخرت را برای همه بشریت دوست داشته باشیم و نیز بر غیرمسلمانانی که در گمراهی به سر می‌برند، برای نجات‌شان بکوشیم. حمل این خیر تنها راه‌اش دعوت، جهاد، مبارزه‌ی فکری و سیاسی است که در آن به بیان باطل و مقابله با کفر پرداخته شود. در مقابل کسانی که ما را دشمن خود فکر می‌کنند از قوت و نیروی فزینگی باید استفاده گردد، تا مسلمان زندگی خود را در این راه قربانی نموده و دیگران را از بدبختی و شقاوت نجات دهد.

از این جهت، مفهوم انسانیت بدون اسلام که انسان را از گمراهی نجات داده و به سوی نور رهنمایی می‌کند، تکمیل نمی‌گردد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

(انعام ۱۲۲)

*ترجمه: آیا کسی که (به سبب کفر و ضلال هم‌چون) مرده‌ای بوده است و ما او را (با اعطاء ایمان در پرتو قرآن) زنده کرده‌ایم و نوری (از مناره‌ی ایمان) فرا راه او گذاشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود (و چشم او را روشنائی، گوش او را شنوائی، زبان او را توان گفتار، دست و پای او را قدرت انجام کار می‌بخشد)؛ مانند کسی است که به مثل گوئی در تاریکی‌ها فرو رفته است (و توده‌های انباشته‌ی ظلمت کده کفر او را در خود بلعیده است و شبه بی‌جان، بی‌اندیشه و بی‌تکنانی از او برجای نهاده است) و از آن تاریکی‌ها نمی‌تواند بیرون بیاید؟ همان‌گونه (که خداوند ایمان را در دل ایمان‌داران آراسته است، کفر و ضلال را در دل ناپاوران پیراسته است) و اعمال کافران در نظرشان زیبا جلوه داده شده است.*

**نویسنده: استاد نسرین بوظافری**

**مترجم: رامین بارز**

۲۴ رجب ۱۴۴۰ھ ق

۳۱ آگست ۲۰۱۹م